



## معمار در آینه نقد خود

(رهیافتی در باب افزایش اعتبار نقدهای معماری)

دکتر علی علائی<sup>1</sup>، رامین خاتمی<sup>2</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد سما کرمانشاه و مدیر گروه معماری واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری علوم و تحقیقات کرمانشاه

### چکیده:

هر اثر هنری و به تبع معماری به عنوان یک هنر، واجد وجوه معنایی متنوعی است که مخاطب برخی از این وجوه را در قالب یک ادراک واحد دریافت می کند. مخاطب هنگام مواجهه با یک اثر تنها وجوهی را درک می کند که جهان ادراکی وی اجازه دریافت آنها را می دهد. از سویی جهان ادراکی اشخاص خاص آنها و در میان افراد متفاوت است. این امر سبب می شود دریافت های مخاطبین و از جمله منتقدین در بسبب سبب وجوه معنایی اثر واحد، گاهی بسیار متفاوت از یکدیگر باشد. این تفاوت می تواند اعتبار بحث نقادانه را کم رنگ کند. بنابراین کشف معنایی جامع که اولاً فراتر از جهان ادراکی شخص منتقد باشد و حداکثر وجوه معنایی اثر را شامل می شود و ثانیاً صحت آن توافق طرفین بحث باشد برای افزایش اعتبار نقدهای معماری ضروری است. در این راستا گذر زمان و گذشت دیدگاه های مقطعی فرصتی را برای بازبینی و پرده برداری مجدد آثار معماری (گاه توسط خود طراح) صورت میگیرد. لذا در این مقاله به تحلیل، بررسی و اعتبار سنجی نقدهای عرصه معماری و ارائه روش هایی برای استخراج مفهوم آثار معماری می پردازیم. روش تحقیق این پژوهش بصورت تحلیلی، توصیفی، کتابخانه ای و پرسشنامه ای با جامعه آماری 9 اثر معماری می باشد.



## واژگان کلیدی: نقد معماری، افزایش اعتبار نظریات، پرسش از معمار

### مقدمه

معنایی که از یک اثر معماری به بحث گذاشته می شود غالباً از منظری شخصی و محدود است و این اعتبار علمی آن بحث را در محدوده ادراکی همان شخص نگه می دارد. این امر نظریات مطرح در آن نقد را به حیطه نظریات هنجاری، کم اعتبار ترین نظریات مرجع، تقلیل می دهد. نظریات هنجاری همواره محل جدال های تئوریک فراوانی است که بجای تسریع روند تکامل معماری، به عنوان زندگی انسان، در پی اثبات خود هستند. این در حالی است که در نقد های علمی که به نظریاتی با اعتبار علمی بالاتر منتهی می شوند اختلاف نظر دیده می شود و نتایج این گونه نقد ها قابل استناد و مبنای شکل گیری بحث های آتی و نتایج جدید تر هستند.

از سوی دیگر در نقد های مباحثه ای میان چند نظریه پرداز، گاهی به دلیل تفاوتی ادراکی بسیار زیاد میان طرفین بحث، آن نقد بی سرانجام به پایان می رسد. اینک کشف یک معنای جامع و همگانی از اثر که ضمن قابل درک بودن، قابلیت بحث و نقد دقیق را داشته باشد ضرورت پیدا می کند.

تحقیقات در زمینه نقد و نظر غالباً حول سه محور شکل گرفته است. محور اول مجموعه نظریاتی است. محور اول مجموعه نظریاتی است که به نقد از منظر هرمنوتیکی نگریسته و در جستجوی مرجع اصیل نقد است.

محور دوم اندک پژوهش هایی است که به تقسیم بندی و تشریح انواع نقد می پردازد. در این حقیقت اصول و تفکیک های نقد معماری بررسی و حدود و وجوه هر یک معرفی می شوند.

محور سوم مقالاتی است که حول روش های علمی نظریه پردازی شکل گرفته اند. تحقیقات اخیر در زمینه شناخت فرمی نظریه علمی، راه رسیدن به آن و چگونگی صحت یک گزاره نظری از دیدگاه منطق مطالب ارزشمندی در اختیار می گذارند. در کنار تحقیقات مذکور، که مستقیماً به بحث و نقد می پردازند، پژوهش هایی از سوی روان شناسان محیطی انجام گرفته که بستر شکل گیری تحقیق حاضر و بسط آن در حیطه نقد